

برای عفو واقعی عمومی

مطرح شدن موضوع عفو عمومی در مجلس پیش از هر چیز از توسعه سیاسی کشور حکایت دارد و همراه کردن این طرح با بیش از پنجاه امضاء از جانب نمایندگان با دیدگاه‌های مختلف سیاسی نشان از پذیرش گسترده عفو به منزله یک ارزش در کل کشور. همین دو ویژگی می‌توانست به تنهایی برای رضایت خاطر از این پیش‌آمد کافی باشد. اینک با نگاهی به اسامی امضاکنندگان و نیز مصاحبه‌هایی که برخی از بانیان این طرح پس از ارائه آن به مجلس انجام دادند، می‌توان باز هم بیشتر به اهمیت مطرح شدن یک چنین بحثی پی برد.

تعداد بالای نمایندگان استان‌های مرزی کشور که این طرح را امضاء کرده‌اند اولین نکته قابل توجه در این طرح است. اسامی نمایندگان سنندج، دیواندره، کامیاران، پاره‌ارومیه، زابل، مهاباد، مریوان، کرمانشاه و... در میان پنجاه و یک نماینده‌ای دیده می‌شود که با امضای این طرح، اهمیت رسیدگی به موضوع عفو عمومی را یادآور شده‌اند.

مقاله‌ای که با نام «جلای وطن کردهای ایرانی؛ شناخت مشکلات و راه‌کارها» در روزنامه بهار مورخ (۷/۴/۷۹) یعنی تقریباً یک ماه و نیم پیش از ارائه طرح مذکور به

چاپ رسید، می‌تواند یکی از دلایل تلاش نمایندگان استان‌های مرزی را در ارائه یک چنین طرحی روشن سازد. در این مقاله، بهاء‌الدین ادب یکی از نمایندگان حوزه انتخابیه سنندج، دیواندره و کامیاران در بحثی در مورد راهکارهایی جهت «جلوگیری از اثرات سوء طبیعی مهاجرت و ممانعت از به خطر افتادن عزت و منافع ملی و فراهم آوردن و امکان مراجعت مهاجرین خارج از کشور به ویژه مهاجرین مناطق کردنشین»، به عنوان اولین راهکار از دادن یک «عفو عمومی» صحبت به میان می‌آورد.

برای اولین بار در آغاز سال ۱۳۷۰ بود که بحث عفو عمومی به طور نسبتاً گسترده در کشور مطرح شد. در آن هنگام، هاشمی رفسنجانی چندین بار به طور ضمنی و یکبار صریحاً به این که عفو عمومی در دستور کار شورای امنیت ملی قرار گرفته است، اشاره کرد. در آن سال‌ها بازسازی اقتصادی و بسیج ابزارهای مناسب برای آن بر سایر جوانب زندگی سیاسی و اجتماعی کشور سایه افکنده بود و طرح عفو عمومی نیز با هدف جلب سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج پیش کشیده شد. حال آن که هم محتوای طرح امروزی و هم توضیحات یکی از بانیان آن، آشکارا حاکی از توجه آن به حوزه سیاسی است. جز این نیز انتظاری نمی‌شد داشت. در دهه گذشته، پس از آن که علی‌رغم

تلاش‌های فراوان برای بازسازی کشور و جلب سرمایه و به راه انداختن چرخ تولید نتایج قابل انتظار حاصل نشد، اهم توجهات بیش از پیش به یافتن راه حل‌های سیاسی برای رفع کاستی‌ها معطوف گشت. یعنی واضح شد که پیشرفت کارها در کشور پیش از هر چیز منوط به یافتن راه‌حل‌های مناسب در زمینه سیاسی است. مطرح شدن بحث عفو عمومی در مجلس را نیز می‌بایست از همین زاویه دید و به همین اعتبار نیز با حسن نظر از آن استقبال کرد.

در عین حال مسلم است که این طرح نیز مانند راه‌حل‌های سیاسی که در سایر زمینه‌ها مطرح می‌شوند، نیاز به نقد و بررسی موشکافانه دارد تا بتواند با بهره‌برداری از خرد جمعی به بهترین نحوی به هدف ارزشمند خود که همانا فراهم آوردن زمینه همزیستی همه ایرانیان باشد برسد. همانطور که دیدیم طرح عفو عمومی ناظر بر جدایی‌های برآمده از مشکلات و رودررویی‌های اول انقلاب است، رودررویی‌هایی که بانی طرح به این صورت از آن یاد می‌کند: «به دلایلی که شرح آن نیاز به فرصت بیشتری به منظور بحث و بررسی دارد، در صفوف واحد انقلابیون و هم‌زمان پیروز شکاف ایجاد گردید ... و هر چه زمان گذشت، بر دامنه حذف‌ها و بلندتر شدن دیوار سوء تفاهات افزوده شد»

(همان). سپس با اشاره به «درگیری‌های مسلحانه» و عملکرد «هیئت‌های پاکسازی»، از «شدت عمل خرج دادن‌ها» یاد می‌کند و از اینکه به «تبعات منفی و سوء اعمال تصمیمات توجه نشد». اکنون پرسش این است که آیا پیش کشیدن طرحی با نام «عفو عمومی» که در ماده واحده‌ای برای «کلیه کسانی که، به هر دلیل فعالیت‌های سیاسی و یا اجتماعی و بیم برخورد و محاکمه به کشور مراجعت نموده‌اند» تقاضای عفو می‌کند، توان رفع آن شکاف‌ها و آن شدت عمل‌ها و آن تبعات منفی و سوء را دارد؟ آیا بدون شرح دلایل واقعاً مفصلی که به وقایع سال‌های اول انقلاب انجامید، «عفو عمومی» زمینه مناسب اجرایی خواهد یافت؟ آیا بدون بررسی علل بروز آن شکاف‌ها در صفوف واحد، این امکان وجود ندارد که اصولاً عفو فقط یک قانون شود، مانند چندین صد قانون دیگر که امروز نه تنها به مدد همزیستی اندیشه‌های مختلف نمی‌آیند، بلکه خود زمینه‌ساز جدایی‌ها شده‌اند؟ آیا بدون بازبینی موشکافانه آنچه در سال‌های اول انقلاب اتفاق افتاد نباید نگران آن بود که طرح چنین مسائلی تنها به باز شدن سر زخم‌های کهنه بیانجامد؟ پاسخ به هیچ یک از این پرسش‌ها نه روشن است و نه یگانه. دلیل آن نیز وجود احساسات متضاد و متفاوت اما در هر صورت واقعی‌ای است که در این سال‌ها

- دقیقاً به دلیل باز نشدن و بحث نشدن مسائل- به زندگی خود ادامه می‌دهند و هر گروه و دسته‌ای تعبیری از آن را به منزله حقیقت برای خود حفظ کرده است. حقیقتی که چون در معرض نقد و بررسی قرار نگرفته امکان تغییر نیز نداشته است. پس شاید به عوض آن که بار دیگر در انتظار فرصت بیشتری برای بحث و بررسی آن مسائل بنشینیم، از ارائه این طرح در مجلس استفاده کرده، امکان واقعی غور در این موضوعات را فراهم کنیم تا بر پایه این گفت‌وگوها- که صد البته هم گفتن‌شان سخت خواهد بود وهم شنیدن‌شان - بتوان چارچوب حقوقی عفوی را پایه‌ریزی کرد که واقعاً عمومی باشد.

م.ث

همبستگی ملی و قدم‌های اولیه بازدید رئیس‌جمهوری از کردستان

تابستان امسال مناطق کردنشین ایران میزبان سیدمحمد خاتمی بود. رئیس‌جمهور در مردادماه با سفر به استان کردستان که به همراه هیأتی بلندپایه انجام شد -معاون اجرایی، وزراء بهداشت، تعاون، نیرو و چند

تن از معاونان و مشاوران وی، در این سفر حضور داشتند- از چندین شهر استان کردستان دیدار و با اقشار مختلف مردم گفتگو به عمل آمد. همچنین در اواخر شهریور رئیس قوه مجریه در آخرین روز سفرش به آذربایجان غربی از شهرهای پیرانشهر و مهاباد نیز بازدید کرد و مورد استقبال گرم مردم این مناطق قرار گرفت.

وی در این سفرها که در نوع خود کم‌نظیر بود از نزدیک با استعداد و توانی‌های این مناطق آشنا شد و همچنین با کمبودهای آن. رئیس‌جمهور که در کنار سیاست تنش‌زدایی خارجی، تنش‌زدایی داخلی- تبدیل مخالف به موافق و معاند به مخالف- را هم امری جدی می‌داند بر آن بوده است که با سفر به این مناطق و رسیدگی مستقیم به دشواری‌هایی که مدتهاست این حوزه را رنج می‌دهد حل و فصل مسائلی از این دست را در دستور کار قرار دهد.

بی‌توجهی‌های گذشته موجب شده که این استان از کاستی‌های مزمن رنج ببرد که درمان آن نیاز به تقویت زیرساختهای استان دارد. هنگامی که خاتمی کرد را ایرانی‌ترین قوم و کردستان را پاره تن ایران می‌نامد^۱ به سادگی می‌توان حدس زد که دولت درصدد برطرف کردن خنثی کردن تلاش‌هایی است